

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آیه اتقی و نحوه استدلال اهل سنت برای اثبات

مشروعیت خلافت ابوبکر

استاد راهنما: حجت الاسلام مهدی احمدی

نویسنده: علی شادمان

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

یکی از دلایلی که اهل سنت برای اثبات خلافت ابوبکر استفاده میکنند آیات هفده تا نوزده سوره مبارکه لیل می باشد. محوریت استدلال مفسرین اهل سنت قسمت بخشش و بخل مطرح شده در این آیات است. قائل اصلی این نظریه فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت است

هدف از این نوشتار دسترسی سریع و آسان به خلاصه ادله بطلان استدلال اهل سنت نسبت به آیات اتقی می باشد

،در شکل گیری این خلاصه از کتاب «نقد ادله خلافت» آیت الله طوسی می باشد. ایشان در این کتاب به بررسی شأن نزول ضعف روات، عمومیت آیه، عدم الاجماع و شواهدی بر عدم ثروت ابوبکر پرداخته اند

ما سعی کرده ایم در این مقاله خلاصه ای از مباحث مهم ایشان و استدلالاتی که در بطلان فهم اهل سنت نسبت به این آیات داشته اند را بیاوریم

مقدمه

از دیرباز در مباحث کلامی همیشه شیعیان پاسخگو و مدافع عقاید حقه خود بوده اند مثلاً بعد از نفی ولایت حضرت علی علیه السلام توسط اهل تسنن و ایجاد شبهه، شیعیان بلافاصله شروع به ذکر دلایل متعدد نقلی و حلی میکنند. از قبیل وجوب...وجود امام، تعیین نص توسط پیامبر اکرم و

آیت الله طوسی در کتاب نقد ادله خلافت رویکرد جدیدی را به کار برده اند. یکی از این موضوعات بررسی ادله اهل تسنن اثبات خلافت ابوبکر است بالاخره وقت آن رسیده که بپرسیم به چه جهت اشخاص مورد نظر اهل سنت خلیفه شدند آیا برای اجماع

دلیل آن بوده است یا نصب برای ثبوت خلافت؟

لازم به ذکر است که اگر قادر باشیم که ادله خلافت را به ورطه نقد و بررسی بکشانیم دیگر نیازی به دفاع در برابر شبهات بی اساس نخواهیم داشت

بخشی از این کتاب در این نوشتار که مربوط به نقد و تحلیل استدلال اهل سنت به آیه اتقی می باشد، خلاصه شده است

در این مقاله میخواهیم به آن برسیم که آیه اتقی دلیل معتبری بر اثبات خلافت ابوبکر نیست

در طول تاریخ شیعیان درصدد جواب بر اتهاماتی بودند که از سوی اهل سنت مطرح بوده است حال باید پرسید دلیل خلافت و شریعت یافتن خلفا چیست؟ اختلاف علمای بغداد که قائل بودند افضلیت حضرت علی علیه السلام را و علمای بصره که قائل به افضلیت ابوبکر بودند سبب منشأ اختلاف شد تا نحوه استدلال آوری بر مشروعیت خلافت چگونه باشد

قول اول اینکه خلافت ابوبکر با انتخاب مسلمانان ثابت شده

قول دوم یا اینکه بانصی روشن و یا با نص خفی

مدعیان انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه با انتخاب مردم و مسلمانان به روایاتی ضعیف و جعلی و برخی اقوال منصوب به صحابه و استظهارات همسران پیامبر تمسک کرده‌اند مثل روایت که در صحیح مسلم آمده

سئلت من کان رسول الله مستخلفا لو استخلفه؟ قالت ابوبکر فقیل بهت ثم من بعد ابی بکر قالت عمر قم قیل لها من بعد))
عمر قالت ابو عبیده بن الجراح))^۱

این دست روایات علاوه بر متهم بودن برخی راویان آن به نصب و عناد با حضرت علی علیه السلام هیچ دلالتی بر خلافت ابوبکر و سایر خلفا نداشته همین دلیل از سوی بسیاری از علمای اهل سنت مورد توجه

قرار نگرفته است با توجه به وجود اختلاف در افضلیت ابوبکر و اتفاق نظر علمای بغداد اعم از متاخرین و جمعی از عالمان بصره بر افضلیت حضرت علی علیه السلام و و سست بودن استدلال اهل سنت بر ادعای عدم استقلال و واگذار شدن امر خلافت به رای مردم و انتخاب و شورا و روشن بودن افضلیت حضرت علی علیه السلام اهل سنت وارد فاز جدید و جمع آوری آیات و روایات دال بر برتری خلیفه اول و اثبات مشروعیت خلافت او کرد از این قبیل آیات میتوان به آیه چهلم سوره توبه اشاره کرد که می‌فرماید

إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي آلِ غَارٍ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا...))
فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ...))^۲

و در روایتی در سنن ترمذی هست: ((اقتدوا باللذین من بعدی ابی بکر و عمر))^۳

بناست در این کتاب به بررسی مهمترین ادله قرآنی و روایی اهل سنت و نقد استدلالات و مناقشات دلالی آنها در بحث اثبات خلافت می‌باشد در این نوشتار رعایت ادب مناظره و بحث و نویسندگی صورت گرفته امید است با همین نگاه مطالعه گردد

یک از آیاتی که برای اثبات خلافت ابوبکر استفاده

می‌شود آیه ۱۷ تا ۱۹ سوره لیل هست: ((الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ، وَسَيُجَنَّبُهَا آلُ الْقِي، الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ
وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نَعْمَةٍ تُجْزَىٰ...))^۴

محل بحث اهل سنت بر سر موضوع بخشش و خریدن بردگان ضعیف توسط ابوبکر است هم اکنون به بررسی استدلال آقای فخر رازی با استناد به این آیات برای مشروعیت بخشی به خلافت ابوبکر می‌پردازیم

یک) ذکر آیه ۱۳ سوره حجرات و ثبوت مصداق که افضل و برتر است

دو مصداق اتقی ابوبکر است زیرا افضل بعد از پیامبر یا علی علیه السلام است فخر رازی می‌گوید با توجه به آیه ((وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ)) ۵ خداوند درباره اتقی می‌فرماید اتقا کسی است که بر گردن او حق نعمت ندارد و چون در صدر اسلام پیامبر حق نعمت و تکفل و تربیت بر گردن علی علیه السلام دارد او اتقا نبوده و ابوبکر مستقل از این مطلب است چون نه تنها تحت پوشش پیامبر نبود بلکه بر پیامبر هم انفاق داد

اشکال بر این استدلال: شاید ارزانی نعمت اسلام و هدایت از قدم در تاریکی به روشنایی او را از اتقا بودن بیندازد

جواب: نعمت مذکور در آیه هر نعمتی نیست بلکه نعمت تجزا است یعنی احدی نعمتی که باید جزا داده شود بر گردن او ندارد به دلیل آیه ۵۷ سوره فرقان «قُلْ لِمَ أَسْرَأُكُمْ عَلَىٰ هِهِ مِنْ آجْرٍ إِلَّا مَنْ ثَلَاةَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» ۷۱ «پس اسلام نعمت مادی نیست که ابوبکر لزومی بر اعطای اجر خاصی به پیامبر داشته باشد

فخر رازی استدلال دیگری هم دارد که در آن با مقایسه آیات سوره ضحی اثبات برتری ابوبکر بر رسول را به وجود می‌آورد خداوند متعال در آیه ((ولسوف..)) به رسول وعده ارضا او به وسیله اجر و پاداش اعمال داده اما در آیه ((ولسوف یرضاه..)) چون قصد ابوبکر از انفاق را رضای خدا دانسته پس رضایت پیامبر از خدا رضایت عبد است از خدا ولکن رضایت خدا از ابوبکر رضایت خدا از عبد است در ادامه فخر رازی می‌گوید رضایت خدا از عبد بهتر است از رضایت عبد از خدا به همین نحو استدلال از قاضی ایجی و شریف جرجانی و تفتازانی و دمشقی ارائه شده است

بعد از ذکر استدلال جناب فخر رازی به نقد و بررسی استدلال اهل سنت برای اثبات خلافت ابوبکر توسط آیات سوره لیل میپردازیم که اشکالاتی که در این نحو

استدلال هست دو مورد است

اشکال اول

عدم نزول آیه مذکور در مورد اهل بیت ابوبکر با توجه به روایت بخاری که منقول از یوسف بن ماهک است روزی مروان برای دستگیر کردن عبدالرحمان او را تعقیب کرد به خانه عایشه پناه برد مروان به عبدالرحمان گفت تو همانی هستی که آیه

هفده سوره احقاف ((والذی قال لوالدیه))^۷ برای نازل گردیده عایشه از پشت پرده گفت: آیه‌ای برای خانواده ما نیست جز آیه افک که رفع تهمت از من کرد

پس یا سخن عایشه خلاف است یا روایت بخاری درصدد بستن دروغ به عایشه است این استدلال که به تصریح عایشه هیچ گونه آیه ای در وصف خانواده ابوبکر و خود او یک اشکال عمومی است که بر تمام آیاتی که مشروعیت خلافت ابوبکر را ثابت می‌کنند وارد است

اشکال دوم

ضعف راویان بوجود آمده در روایت محمد بن جریر طبری به دلیل وجود عبدالله بن زبیر و راویان ضعیفی چون مصعب بن ثابت عبدالله بن زبیر اشکال بدان وارد است چون ارزش ندارد وقتی نظر علما سنی جرح و تعدیل را در رابطه با مصعب بن ثابت عبدالله بن زبیر میبینیم او را با عناوینی چون لیس به شیء

کثیر الغلط و از این موارد توصیف میکنند

یک نمونه از این موارد احمد بن حنبل در تهذیب التهذیب ۸ ذکر کرده است که

مینویسد ضعیف فی نقل الحدیث و کسی نیست از او حدیث تعریف کند

به همین نحو جوزجانی، یحیی بن معین، ابوحاتم رازی، نسائی، ابوزرعه رازی، ابن حبان بستی، ابن سعد، علی بن مدنی، ابن جوزی، ابوجعفر عقیلی، ابو احمد عبدالله عدی، و ذهبی تضعیف او را نقل کرده‌اند و در نهایت باید گفت ابن حجر عسقلانی در اظهار نهایی خود در کتاب تقریب التهذیب او را لین الحدیث میدانند علاوه بر موارد مذکور روایت منقول از آل زبیر است که عناد آشکار با اهل بیت داشته‌اند

اشکال سوم

قابلیت تعمیم و انطباق بر همگان توسط مورد آیه را میبینیم چون این آیه و مصداق آن اختصاصی نیست و برای همگان قابل اثبات است موید بر مطلب مورد نظر حرف ابن کثیر دمشقی است که بهترین مصداق آیات لیل را ابوبکر می‌داند اما الفاظ آیات را عام دانسته و هر کسی که اوصاف مذکور را داشته را داخل در آیه میدانند این روایت در تفسیر قرآن العظیم ۹ ذکر شده است

اشکال چهارم

شأن نزول سوره در مورد ابودحداح است تصریح علما اهل سنت مانند ابوحاتم رازی، ابو اسحاق ثعلبی واحدی نیشابوری محمدبن احمد قرطبی وابن کثیر دمشقی و آلوسی روایاتی از عطا و عبد الله بن عباس نقل کرده اند که نشان دهنده در مدینه بودن شأن این آیه و مصداق آن ابودحداح بودن است که مردی از انصار بوده است و ربطی به مال ابوبکر و انفاق او ندارد

یکی از این موارد که شأن نزول را بر ابودحداح و در مدینه بودن نزول آیات ثابت میکند ثعلبی به نقل از عطا در الکشف والبیان است که مینویسد یکی از انصار درخت خرمايي داشت و چند خرمايي از آن داخل حياط همسايه می افتاد وی شکایت به پیامبر ۱۰ برد پیامبر فرمود درخت خرماي خود را با درخت خرمايي در بهشت معاوضه کن او راضی نشد ابودحداح که قضیه را شنید درخواست معاوضه نخلی دیگر را با آن انصاری کرد انصاری پذیرفت ابودحداح نزد پیامبر آمد و درخواست معاوضه نخل خریداری شده را با نخل بهشتی ایشان کرد عطا گوید بعد این ماجرا بود که آیات سوره لیل آیات ((فانذرتکم نارا تلظی، لا یصلیها الا الاشی)) درباره مرد انصاری و آیات ((وسینجیها

الاتقی، الذی یوتی ماله یتزکی، ما لاحد عنده من نعمه تجزی)) درباره ابودحداح نازل شد سند این سخن در کشف والبیان ۱۱ ذکر شده است

شبهه همین روایت ابوحاتم رازی و واحدی نیشابوری از عبدالله بن عباس نقل کرده اند

و محمدبن قرطبی در نتیجه روایات اشاره دارد به شأن نزول سوره و آیات را مختص به مدینه و ابودحداح میدانند نه صدر اسلام و خرید غلام توسط ابوبکر

اشکال پنجم

عدم صحت اجتماع

فخر رازی در ابتدای صحبتش مدعی بر اجماع مفسرین بر مراد اتقی که ابوبکر است اشاره دارد این درست نیست چون محمد بن جریر طبری ابواسحاق ثعلبی و زمخشری که تفاسیر آنان قبل از رازی نگاشته شده ادعای تطبیق این لفظ بر ابوبکر را با تعبیر ذکر و قیل استفاده کرده اند و نیز قاضی ایجی و محمد بن قرطبی که تفاسیرشان بعد از فخر رازی نوشته اند قول نزول سوره لیل درباره ابوبکر را به اکثر نسبت داده و ادعای اجماع ندارند این مطلب نشانه عدم تصریح علما بر اجماع این موضوع است مطلبی که قبل از فخر رازی با تعبیر قبل و ذکر آورده شده به ناگهان فخر رازی بر طمطراق بر آن جامع مفسرین اهل سنت را قائل است

اشکال ششم

فخر رازی در قسمتی از استدلال خود ابوبکر را باتقوا تر دانسته و مصداق آیه ۱۷ سوره لیل میداند وقتی به بررسی آن می‌پردازیم سخنی از ابوبکر در میان نیست اتقی اگر اسم تفضیل حقیقت باشد معنای آیه با تقوا ترین مردم که از گناهان دور است میشود که این تنها یک مصداق دارد و آن هم خود رسول اکرم است پس تطبیقی از این لفظ بر ابوبکر وجود ندارد و اگر اتقی در آیه برتری مطلق را نرساند بلکه مرادش برتری نسبی باشد بر فرض قبول نزول آیات سوره لیل در وصف ابوبکر معنای آن برتری او بر برخی مومنان است و وجهی برای افضلیت امیرمومنان را اثبات نکرده که بعد در صدد ثبوت مشروعیت خلافت او باشد

علاوه بر اشکال ششم مسئله تقوای ابوبکر متناقض با مستندات و مشاهدات تاریخی است که ما مشاهده میکنیم به گونه ای که تصریح روایات وجود تقوای او را زیر سوال میبرد

این موارد از این قبیل است:

یک) در طبقات الکبری ۱۲ میخوانیم ابوبکر میگوید مرا شیطانی است که گاه دچار آن هستم پس در هنگام خشم و ناراحتی از من دوری نمایند

دوم) رفتار ابوبکر در راستای تثبیت حکومت خود با گرفتن بیعت خشونت آمیزی و اجباری از امیر مومنان در مسجد

سه) احمد بن محمد عبد ربه در عقد فرید ۱۳ می‌نویسد حضرت علی عباس عموی پیامبر زبیر بن عوام و سعد بن عباده (با) ابوبکر بیعت نکردند حضرت علیه السلام، عباس و زبیر در خانه حضرت زهرا تحصن کردند ابوبکر در پی این جریان به عمر دستور داد در صورت مخالفت از بیعت با آنان جنگ کن

چهار) برخورد ابوبکر با دختر پیامبر اسلام در رابطه با جریان فدک و نارضایتی حضرت فاطمه سلام الله علیها از ابوبکر و عمر تا حدی که با ایشان تا آخر عمر صحبت نکردند که در صحیح بخاری ۱۴ موجود است

پنج) ماجرای خالد بن ولید و کشتار قبیله مالک نویره و خود او و زنای با همسر او و حمایت ابوبکر از خالد ۱۵

شش) آتش زدن ایاس عبد یالیل معروف به فجاه سلمی و ندامت ابوبکر از این حادثه که باید گفت اگر حکم الهی بر ایاس اجرا شده چرا ابوبکر اظهار پشیمانی نماید در تاریخ طبری وابن اثیرمی‌نویسد ایاس عبد یالیل نزد ابوبکر آمد و درخواست مرکب و سلاح کرد تا برای اسلام بجنگد ابوبکر او را تجهیز کرد

اما وی به راهزنی پرداخت بعد ابوبکر طریفه بن حاجز را فرستاد او را گرفتند و در مصلاهی مدینه دست و پا بستند و آتشش

زدند ۱۶

اشکال هفتم

ابوبکر فاقد ویژگی مذکور در آیه است در پاسخ به استدلال فخر رازی بر آیه و ما لاهل عنده تجزا باید گفت اگر مراد آیه این است که هیچ کسی حق نعمتی بر او ندارد صحیح نیست و ابوبکر چون پدر و مادر او را بزرگ کرده‌اند حق نعمت بر او داشته و او فاقد این ویژگی است حتی اتقا رسول خدا نیست زیرا تحت سرپرستی حضرت ابوطالب و حمایت ایشان بزرگ شده و ایشان حق نعمت بر گردن رسول دارند اشکال هشتم استدلال رازی متوقف بر چند امر است

استدلال آقای رازی بایده‌آیات و روایاتی دال بر عصمت حضرت علی را پاسخ بدهد در غیراین صورت معصوم از غیر آن (۱) محبوب‌تر می‌باشد

باید آیات و روایات دال بر افضلیت امیر مومنان بر سایرین را پاسخ بدهد در غیر این صورت استدلال رازی با ادله عصمت (۲) حضرت علی تعارض می‌کند و ادله هر دو ثابت است مگر مرجحی از طرفین ارائه گردد

سوره لیل در مکه نازل شده و به اصطلاح مکی باشد نه مدنی در حالی که بر سر اینکه سوره مدنی باشد و ابودحداح مورد (۳) بحث آن باشد

اتقادرایه هفدهم سوره لیل افعال تفضیل است اگر افعال وصفی به معنای شخص متقی و با تقوا باشد دلیلی بر افضلیت (۴) ابوبکر نیست همانگونه که ابواسحاق سلوی در کشف البیان ۱۷ می‌نویسد مراد از اشقا و اتقا افعال تفضیل نیست بلکه مراد فرد شقی و فرد تقی است

مراد از ((فامامن اعطاواتقا)) انفاق مالی است اما برخی مفسرین سنی انفاق مذکور را معنوی می‌دانند مانند عبدالله عمر (۵) بیضاوی که در انوار و تنزیل و اسرار و تحویل می‌نویسد اتقا یعنی کسی که از مطیع خداوند است و از معصیت اجتناب میکند پس آیات سوره لیل ربطی به انفاق مالی مربوط به خریدن غلامان از مشرکان توسط ابوبکر نیست اشکال نهم اختلاف کلام مفسرین ایشان در مصداق من بخله مردد هستند بر سه احتمال امیه بن خلف ابوسفیان و ابوجهل آلوسی بعد از مشاهده اختلافات در روح المعانی ۱۸ می‌نویسد ما معتقدیم ابوسفیان در اواخر عمر خود مسلمان شد و تا آخر استوار بود پس او مصداق آیه نیست لذا شاید اسامی مذکور در تفسیر آیات از باب مثال و تطبیق عام بر مصادیق باشد حال باید گفت روایاتی داریم دال بر

خرید غلامان توسط ابوبکر تا در صدد اثبات نزول سوره لیل در شأن ابوبکر باشد به نقل یکی از آنها می‌پردازیم ابو حاتم رازی بدون سند به نقل از عروه بن زبیر در تفسیر سوره لیل می‌نویسد ابوبکر ۷ نفر به نام‌های بلال عامر فهیره نهیدیه و دخترش زنجیره ام عیسی و یکی از کنیزان بنی موکل را که توسط مشرکین شکنجه می‌شدند خریداری و آزاد کرد این روایت مفقود السند است و به جهت عناد عروه اعتبار ندارد برای شناخت شخصیت عروه یک روایت از ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه ذکر می‌کنیم وقتی نام حضرت علی نزد عروه می‌آمد او از شدت عصبانیت دچار رعشه می‌شد ایشان را دشنام می‌داد و دست ۱۹ بر دست از روی ندامت میزد که کاش علی با ریختن خون بسیاری از مسلمانان مرتکب حرام نمی‌شد

مشکل دیگر این است که عروه در دوره خلافت عثمان در سال‌های ۲۳ تا ۲۹ هجری به دنیا آمده و قادر به تعریف داستانی که ۴۰ سال قبل تولد او اتفاق افتاده آن هم بدون واسطه نمی‌باشد در روایت دیگری که آن هم مفقود السند است ابوحاتم رازی به نقل از عبدالله بن مسعود

در تفسیر قرآن عظیم ۲۰ ابوبکر بلال را از امیه خلاف

در مقابل یک عدد برد یعنی پارچه یمانی و ۱۰ اوقیه طلا خریداری و آزاد کرد و بعد این جریان بود که

آیات سوره لیل درباره ابوبکر و امیه بن خلف نازل شد همین را واحدی نیشابوری با ذکر همین سند به عبدالله مسعود نقل کرده است این روایت بدون سند و فاقد اعتبار است و روایت واحد نیشابوری هر چند استناد دارد اما خیری سعید محقق اسباب النزول در پاورقی کتاب نقدی دارد که ضعیف بودن روایت هست چون محمد بن اسحاق که مدلس است دارای روایاتی معین است یعنی نقل سند با استفاده از لفظ ان مشکل اصلی این است که محمد بن اسحاق متوفای ۱۵ هجری نمی تواند از عبدالله ابن مسعود نقل داشته باشد در این روایت محمد بن اسحاق واسط بین خود و عبدالله بن مسعود را نادیده گرفته روایت را مرسل کرده است در وصف شخصیت محمد بن اسحاق یسار گفته شده او احادیث باطل را از افراد مجهول نقد می کند (کان یدلس کان لایالی عن من)، (لیس بحجه لیس بالقوی) (دجال من دجال) یاد کرده اند علاوه بر محمد بن اسحاق راویانی چون یونس بن بکیر و ابن ابی الوضاح هم هستند در سلسله سند واحدی نیشابوری که نسبت به محمد بن اسحاق تعریفی ندارند و بر وثاقت آنها نزد

علما جدل موجود است سجستانی گوید مرا به یونس بن بکیر اعتمادی نیست ۲۱

نسائی زکریابن یحیی ساجی احمد بن محمد محرز نیز او را با کلام خود تضعیف کرده اند

از این دست روایات هشت الی نه مورد ذکر گردیده است که به یکی دیگر می پردازیم

در این روایات به طور کلی میتوان گفت تضعیف در سند و راویان موجود است و نیز مشکل اینکه بی واسطه نقل شده و اگر هم نقل شده جریانی بوده که راوی بعد از آن متولد شده و یا فراموش گردیده که واسطه سند نقل گردد و آن را به ارسال رسانده است

و بعضی روایات همچون عروه نیز عناد شخصی با امیر المومنین علی علیه السلام را که بررسی کردیم آشکار کرده بودند

همچنین در صاحب بلال که امیه بن خلف است ابوسفیان است یا عبدالله بن جدعان

مقدار مبلغ خریداری بلال یک رطل طلاست یا برد یمانی است و ده اوقیه طلا یا نسطاس غلام مشرک ابوبکر و اموال او بوده محل بحث و اشکال و اضطراب است اشکالات دیگر علاوه بر اشکالات سندی مذکور در ذیل هر کدام از روایات برخی اشکالات عمومی وارده

را به روایات ذکر می کنیم اشکال اول روایات مذکور از طریق آل زبیر نقل شده همچون عبدالله و عروه فرزندان زبیر عامر فرزند عبدالله شام فرزند عروه ایشان علاوه بر ناصبی بودن و خصومتشان با اهل بیت در نقل روایات پشت جد مادری خود که ابوبکر است را می گیرند اشکال دوم داستان خرید غلامان ضعیف و آزاد کردن آنان توسط ابوبکر مربوط به صدر اسلام است لکن روایاتی منقول توسط افرادی مانند عبدالله بن زبیر متولد سال ۲ هجری عبدالله بن عباس متولد سال ۱۰ بعثت و سعید بن مسیب متولد ۱۳ هجری و عروه بن زبیر متولد ۲۲ هجری نقل شده است این افراد حین اتفاق خرید غلامان توسط ابوبکر اصلاً متولد نشده اند چطور ناقل بی واسطه این خبر خواهند بود اشکال سوم روایات مربوط به انفاق مالی و خرید مسلمانان ضعیف از

جهتی مورد اضطراب بین علما است یک اختلاف بر سر مولای بلال مؤذن برخی او را امیه بن خلف برخی دیگر عبدالله بن جدعان و برخی ابوسفیان را مولای بلال می‌دانستند ۲ اختلاف بر سر مبلغ خریداری شدن بلال مؤذن اختلاف شدید بر اینکه سر مبلغ خرید یک رتل طلا بوده یا یک غلام و ۱۰ اوقیه طلا و در برخی روایات غلامی به نام نسطاس به همراه

دارایی او اهدا شده ۳ اختلاف در مصداق آیه و اما من بخل وستغنا برخی مصداق عارف را ابوسفیان برخی ابو جهل و برخی امیه بن خلف تطبیق داده‌اند قصه ثروت ابوبکر و کمک مالی به پیامبر با توجه به فضای سوره لیل که انفاق مالی را پیش کشیده فخر رازی با روایاتی بر برخی منابع اهل سنت درباره انفاق مالی آیات سوره را منطبق بر ابوبکر می‌داند و این گونه نشان داده که ابوبکر ناصر مالی پیامبر و اسلام بوده است اشکال اول سوال اینکه ابوبکر در چه زمانی و در چه حادثه‌ای کمک مالی کرده است آیا قبل از مهاجرت از مکه به مدینه بوده یا بعد از آن در مکه قبل از ازدواج پیامبر با حضرت خدیجه سلام الله تحت کفالت حضرت ابوطالب علیه السلام بود و بعد هم که با حضرت خدیجه سلام الله ازدواج کردند که از جهت اموال غنی بودند و نیازی به ابوبکر و ثروت او برای حمایت نبود حتی به حضرت به قدری متمکن گردیدند که کفالت حضرت علی علیه السلام را بر عهده گرفتند ابن تیمیه در منهج السنه خود مینویسد پیامبر از نظر مالی دارای تمکن نسبی بود و محتاج اموال امثالی چون ابوبکر نبود علاوه بر این رسول در مکه هیچ جنگی با مشرکان نداشتند و سپاهی تجهیز نکردند که

نیاز به کمک مالی جناب ابوبکر باشد پس در بعد از هجرت باید این مسئله انفاق ابوبکر مطرح باشد که باز درست نیست زیرا در اوان ورود او به مدینه فقیر و تهی دست بود و خود کمک انصار را لازم داشت شواهد بر عدم ثروت ابوبکر شاهد اول او از ثروتمندان نبود یا اموالش به اندازه‌ای نبود که مخارج سنگین حکومت نوپای اسلام را بر بیاید زیرا دارایی او در هنگام رسیدن به مدینه حداکثر ۶۰۰۰ درهم ذکر شده اسماء دختر ابوبکر می‌گوید زمان مهاجرت از مکه به مدینه همه اموالش که ۵ الی ۶ هزار درهم بود همراه خود به مدینه برد پدر بزرگم ابوقحافه که نابینا شده بود گفت ابوبکر با این کار بر ما مشقت وارد کرد گفتم نه و چند سنگ را جمع کردم در دامنم و نزدیک او گرفتم گفتم دست بر این‌ها بکش اینان اموالی است که او بر ما جای گذاشته و ابوقحافه گفت اگر اینگونه است کار خوبی کرده ولا اشکال اسما بعد از آن قسم می‌خورد که ذره‌ای از اموالش بر ما باقی نگذاشت ۲۲

شاهد دوم در آیه ۱۵۵ سوره بقره می‌فرماید قطعاً شما را با ترس و گرسنگی آزمایش خواهیم کرد فخر رازی در تفسیر آیه مذکور به نقل از قفال در تفسیر الکبیر ۲۳ می‌نویسد مسلمانان در جنگ‌های صدر اسلام به

مشرکین دچار وحشت بودند مخصوصاً در احزاب که به اوج خود رسیده بود وعده آزمایش با گرسنگی یعنی اوایل هجرت به مدینه مسلمان که جهت فقر و عدم ثروت از گرسنگی شدیدی بودند به حدی که پیامبر خود بر شکمشان سنگ می‌بست

شاهد سوم شغل ابوبکر خیاطی بود و چنین حرفه‌ای درآمد بسیاری ندارد و سهم این شخص از غنائم جنگ بیش از یک مسلمان عادی نبود لذا خود او نیازمند مساعدت انصار بود و ثروتی نداشت تا به پیامبر و اسلام کمک کند و از این قبیل روایات که ثابت می‌کنند ابوبکر قادر به خرید سفره یک درهمی نبود و حتی توان پرداخت صدقه نجوای با پیامبر را نداشت و در شرایط سخت اقتصادی در شعب ابیطالب خبری از انفاق‌های مکرر ایشان نبود دریافت اجرت توسط ابوبکر برای یاد دادن خواندن و

نوشتن عدم کمک ابوبکر به پدرش ابو قحافه که فردی فقیر بود و نیز عدم حمایت و دستگیری از اسما دختر او که با زبیر شخصی فقیر ازدواج کرده بود علاوه بر این اتفاق ابوبکر بر پیامبر مستند و مدرکی ندارد و در تاریخ نمونه‌ای از این اتفاق نمی‌بینیم

تنها مورد مذکور اتفاق وی تقدیم یک مرکب است ۲۳

که باز هم مصداق اتفاق بر آن شامل نمی‌شود بلکه به ازای مبلغی به پیامبر فروخته شد حال باید پرسید مدعیان اتفاق ابوبکر که برای نجوا و صحبت خصوصی حاضر به پرداخت صدقه ناچیز نیست چگونه تمام داراییش را فدای اسلام نمود جالب اینکه حتی ابن تیمیه با توجه به واقعیات مذکور و غیر واقعی بودن این دست روایات این موارد را در منهج السنه ۲۴ توجیه نموده است و می‌گوید ابوبکر در خوراک و پوشاک اتفاق نکرده زیرا خدا پیامبر را از همه اموال مردم بی‌نیاز ساخته اتفاق او و کمک‌هایش در راه اقامه دین خدا و رسول او بوده است زیرا مستندی بر اتفاق ابوبکر در صدر اسلام موجود نیست اشکال دوم اگر ثروتمند بوده و کمک مالی هم صحت داشته باز افضلیتی برای ابوبکر ثابت نمی‌شود زیرا

اتفاق در صورتی فضیلت است که همراه با اخلاص و نیت پاک باشد (۱)

بنا به گواهی تاریخ حضرت علی علیه السلام در فقر به سر می‌برد لکن پول اندک خود را در راه دفاع از پیامبر اتفاق کرد (۲) و تردیدی نیست که اتفاق شخص فقیر از اتفاق شخص ثروتمند با ارزش‌تر است

دلیل دوم بر ثروت ابوبکر: علاوه بر روایات خرید

مسلمانان ضعیف از مشرکان روایت عایشه در تاریخ کبیر ۲۵ دلالت بر ثروت مالی ابوبکر دارد در آنجا عایشه می‌گوید روزی افتخار بر پدرم و اموال او که هزار هزار اوقیه بود کردم پیامبر فرمود ساکت باش من برای تو مثل ابوذر برای ام زرع بودم بررسی روایت از جهت سندی و دلالتی قابل نقد و رد می‌باشد اشکال اول تنها قائل این روایت عایشه است و صحابی دیگری آن را نقل نکرد احادیث او مردود است چون در صدد خدشه بر جایگاه امیر مومنان و بالا بردن پدر خود است اشکال دوم ذهبی روایت عایشه را در کتب متعدد و به مناسبات مختلف نقل کرده و هرگاه روایت را نقل می‌کند به نقد سند و دلالت پرداخته در کتاب میزان الاعتدال فی نقد رجال ۲۶ در شرح حال قاسم بن عبدالواحد می‌نویسد هزار هزار اوقیه قطعاً اشتباه است و باید گفته شود هزار اوقیه چون مبلغ مورد نظر در توان پادشاه عصر هم نیست و در سیر و اعلام نبلا ۲۷ در شرح حال عایشه می‌نویسد در سند سستی و ضعف وجود دارد اشکال سوم در سند روایت عایشه ابراهیم ابن یعقوب جوزجانی و عروه بن زبیر وقاسم بن عبدالواحد که معاند حضرت علی اند عناد جوزجانی با حضرت را در الکامل فی الضعفا الرجال ۲۸ می‌بینیم

که وقتی اصحاب حدیث برای استماع مقابل در خانه او جمع شده بودند یکی از کنیزانش مرغی برای ذبح آورد اما کسی برای ذبحش جلو نیامد جوزجانی با جسارت و لحنی توهین آمیز به حضرت علی علیه السلام خطاب به حاضرین گفت شما یک مرغ را ذبح نمی‌کنید در حالی که علی در نصف روز بیش از ۲۰ هزار مسلمان را کشت ۲۹

ذهبی قاسم بن عبد الواحد را تضعیف نموده و وقتی از ابوحاتم رازی درباره او می‌پرسند او می‌گوید روایات سفیانی و شعبه

قابل احتجاج است ۳۰

نتیجه

بعد از خواندن این نوشته خواهید دانست که

شأن نزول آیات سوره لیل در مورد جناب ابوبکر در ۱۰

نزد مفسرین اهل تسنن محل اضطراب و اختلاف است

روایاتی که خود را تایید کننده بر استدلال خلافت با توجه به آیه اتقی میدانند دارای ضعف در راویان خود هستند. ۲

صفتی که استدلال فخر رازی محور استدلال خود را بر آن گذاشته که بخل و بخشش است برای شخص ابوبکر ثابت نیست. ۳

طبق اعتراف عایشه دختر خلیفه اول اهل سنت جز آیه افک آیه ای برای خانواده ابوبکر نازل نشده است. ۴

تمام این موارد که در متن خلاصه شده ما مفاد اصلی آن موجود است ثابت میکند که این آیه اصلاً قادر نیست که بتواند

مشروعیتی برای خلافت ابوبکر بوجود بیاورد بلکه صفات نیکی چون بخشش، تقوا، ثروتمند بودن را از ابوبکر سلب مینماید

پس آیه اتقی دلالتی بر ارجحیت و اثبات خلافت ابوبکر ندارد

ارجاعات

صحیح مسلم صفحه ۱۱۰۴-۱

سوره مبارکه توبه آیه ۴۰-۲

سنن ترمذی صفحه ۶۶۰-۳

سوره مبارکه لیل آیات ۱۷ تا ۱۹-۴

آیه ۱۹ سوره مبارکه لیل-۵

سوره فرقان آیه ۵۷-۶

آیه ۱۷ سوره احقاف-۷

تهذیب التهذیب جلد ده صفحه ۱۴۴-۸

تفسیر قرآن العظیم جلد چهار صفحه ۵۵۶-۹

الکشف والبیان ج ده صفحه ۲۲۰-۱۰

کشف والبیان ج ۱۰ صفحه ۲۲۰-۱۱

طبقات الکبری ج ۳ صفحه ۲۱۲-۱۲

- عقد فرید ج ۴ صفحه ۲۶۰-۱۳
- صحیح بخاری صفحه ۸۴۳-۱۴
- وفیات الاعیان و انبا ابنا الزمان ج شش صفحه ۱۵-۱۵
- تاریخ الامم والملوک ج دو صفحه ۲۶۶-۱۶
- الکشف والبیان ج ده صفحه ۲۱۹-۱۷
- روح المعانی ج سی صفحه ۵۰۹-۱۸
- شرح نهج البلاغه ج چهار صفحه ۶۹-۱۹
- تفسیر کبیر ج سی ویک صفحه ۲۰۶-۲۰
- تهذیب الکمال ج بیست صفحه ۵۲۹-۲۱
- مستدرک علی الصحیحین ج سه صفحه ۶-۲۲
- طبقات الکبری ج یک صفحه ۲۲۸-۲۳
- منهاج السنه-۲۴
- تاریخ کبیر-۲۵
- میزان الاعتدال فی نقد الرجال ج سه صفحه ۳۷۵-۲۶
- سیر الاعلام والنبلا ج دو صفحه ۱۸۵-۲۷
- الکامل فی الضعفا الرجال-۲۸
- تهذیب التهذیب ج یک صفحه ۱۵۹-۲۹
- میزان الاعتدال فی نقد الرجال ج سه صفحه ۳۷۵-۳۰

منابع وماخذ

قرآن کریم(۱)

تاریخ الامم والملوک، محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ هجری قمری، دارالکتب العلمیه، چاپ(۲)
دوم، ۱۴۰۸ هجری قمری، بیروت، لبنان

تاريخ كبير، محمد بن اسماعيل بخارى، متوفى ٢٥٦ هجرى قمرى، دارالفكر، ١٤٠٧ هجرى قمرى، بيروت، لبنان (٣)

تفسير القرآن العظيم، اسماعيل بن عمر ابن كثير، متوفى ٧٧٤ هجرى قمرى، دارالمعرفه، چاپ اول، ١٤٠٦ هجرى (٤)
قمرى، بيروت، لبنان

تفسير كبير، محمد بن عمر فخر رازى، متوفى ٦٠٦ قمرى، مكتب الاسلام الاسلامى، چاپ چهارم، ١٤١٣ هجرى (٥)
قمرى، قم، ايران

تهذيب التهذيب، احمد بن على حجر عسقلانى، متوفى ٨٥٢ هجرى قمرى، دارالفكر، چاپ اول، ١٤٠٤ هجرى قمرى، بيروت، لبنان (٦)

تهذيب الكمال فى اسما الرجال، يوسف بن عبدالرحمن مزى، متوفى ٣٥٤ قمرى، دائره المعارف العثمانيه، چاپ (٧)
اول، ١٣٩٣ قمرى، حيدرآباد، هند

روح المعانى، آلوسى، متوفى ١٢٧٠، دار احيا التراث العربى، چاپ اول، ١٤٢٠ هجرى قمرى، بيروت، لبنان (٨)

سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، متوفى ٢٧٩ قمرى، دار ابن الجوزى، چاپ اول، ١٤٣٢ قمرى، قاهره، مصر (٩)

شرح نهج البلاغه، عبدالحميد بن هبه الله ابن ابى الحديد، متوفى ٦٥٦ قمرى، دار احيا الكتب العربيه، چاپ دوم، ١٣٨٥ قمرى (١٠)

صحيح بخارى، محمد بن اسماعيل، متوفى ٢٥٦ هجرى قمرى، دارالآفاق العربيه، چاپ دوم، ١٤٣٠ قمرى، قاهره، مصر (١١)

صحيح مسلم، مسلم بن حجاج نيشابورى، متوفى ٢٦١ قمرى، دار المعرفه، چاپ دوم، ١٤٢٨ قمرى، بيروت، لبنان (١٢)

عقد الفريد، احمد بن محمد ابن عبد ربه اندلسى، متوفى ٣٢٨ قمرى، دار الكتاب العربى، چاپ سوم، ١٣٨٤ قمرى، بيروت، لبنان (١٣)

الكشف والبيان، ابواسحاق، احمد ثعلبى، متوفى ٤٢٧ (١٤)

قمرى، دار احيا التراث العربى، چاپ اول، ١٤٢٢ قمرى، بيروت، لبنان

مستدرک على الصحيحين، محمد بن عبدالله حاكم نيشابورى، متوفى ٤٠٥ قمرى، دار الكتب (١٥)

العلميه، چاپ دوم، ١٤٢٢ قمرى، بيروت، لبنان

منهاج السنه النبويه، احمد بن عبدالحليم ابن (١٦)

تيميه، متوفى ٧٢٨ قمرى، مؤسسه الريان، ١٤٢٤ قمرى، بيروت، لبنان

ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبى، متوفى ٧٤٨ قمرى، دارالفكر، بى تا، بيروت، لبنان (١٧)

وفيات الاعيان وانا ابنا الزمان، احمد بن محمد ابن خلكان، متوفى ٦٨١ قمرى، دار صادر، ١٣٩٨ قمرى، بيروت، لبنان (١٨)